ماه
هزارتکه
پروین‌مقدم
۲

مدرس زنده است

آخرین وارث

نهم آبان ۱۳۰۴

صبح اول وقت عین‌الدوله، عضدالسلطنه، فرخ‌الدوله و مشیرالدوله وارد عمارت شدند، عضدالسلطنه و ناصرالدین میرزا مدتی بود که با ولیعهد قهر کرده بودند، به گمان اینکه او با سردار سپه سازش کرده و آنها را دست می‌اندازد، ولیعهد پای عمارت برلیان روی یک نیمکت نشسته و دست را زیر چانه‌اش تکیه داده بود، یک نظامی هم روی پله‌ها ایستاده بود و سیم تلفن را می‌برید، سربازها در سرتاسر عمارت شاهنشاهی آمد و رفت داشتند، کسی به ولیعهد سلام نمی‌کرد. هنوز ظهر نشده بود و ماده واحده در مجلس جریان داشت.

پیشخدمت‌ها به ولیعهد گفته بودند که در مجلس چه خبر است. تصور ریختن و گرفتن و حتی کشتن و مخاطرات دیگر هر دقیقه می‌رفت، در میان خانم‌های اندرون کاخ هم همین گفت‌وگوها در جریان بود.

ظهر همه برای ناهار رفتند، ناهار که تمام شد، آمدند اتاق برلیان، ولیعهد آفتابه و لگن خواست، دست می‌شست که صدای شلیک توپ بلند شد و خبر خلع قاجاریه را در شهر و در عمارت گلستان پراکنده کرد، از تالار به اتاق محمدشاهی رفتند، کنار اتاق برلیان، ولیعهد و بقیه شاهزاده‌ها روی صندلی نشستند و صاحب جمع، نوکر صدیق محمدعلی شاه و فرزندانش روی زمین نشستند و گریه کردند، ولیعهد هم گریه می‌کرد و باقی نیز با آنها همدردی می‌کردند.

ساعت دو بعدازظهر در اتاق باز شد و سهم‌الدوله، پسر مرحوم علاءالدوله، رئیس خلوت وارد شد. او هم گریه می‌کرد! رو کرد به صاحب جمع و گفت:

«سرتیپ مرتضی‌خان یزدان‌پناه آمده است و می‌گوید از طرف اعلیحضرت پهلوی مأمورم که محمدحسن میرزا را فوراً حرکت بدهم و از سر حد خارج کنم. باید لباس نظامی را از تن بیرون کند و اسباب‌های شخصی خود را هم جمع‌آوری کند و در حرکت تعجیل نماید.»

ولیعهد به صاحب جمع گفت:

«برو ببین چه می‌گویند؟»

صاحب جمع رفت‌وآمد و گفت:

«همین طور می‌گوید و می‌گوید عجله کنید!»

ولیعهد گفت:

«می‌خواهم دخترم، گیتی افروز را ببینم، کالسکه را ببرید و او را از خانه شعاع‌السلطنه با مادرش مهین بانو بیاورید.»

حاج مبارک‌خان رفت که کالسکه را ببرد و آن ها را بیاورد.

گفته شد:

«نمی‌شود: زیرا کالسکه متعلق به شما نیست. با درشکه کرایه بروید و آن ها را بیاورید!»

با درشکه کرایه رفتند و بچه را آوردند و ملاقات کرد.

ولیعهد از بالا به صحن عمارت نگاه کرد، بوذر جمهوری مشغول دوندگی بود و در خزانه‌ها را با عجله مهروموم می‌کرد.

ولیعهد، وزیر دربار و دکتر اعلم‌الملک، پزشک دربار و دکتر صحت را خواست، آنها با شیون و گریه آمدند.

در این بین گفتند که عبدالله خان طهماسبی و سرتیپ مرتضی‌خان یزدان‌پناه و بوذر جمهوری می‌آیند بالا، اتاق خلوت شد، همه بالا آمدند و وارد اتاق شدند.

طهماسبی به ولیعهد سلام کرد، ولیعهد جواب نداد. طهماسبی گفت:

«عجله کنید باید بروید!»

ده دقیقه گذشت و رفتند پایین.

سرتیپ یزدان‌پناه به آجودانش گفت:

«زودباش محمدحسن میرزا را حرکت بده!»

آجودان سرتیپ وارد اتاق شد، سلام داد و به ولیعهد گفت:

«زود باشید، حرکت کنید.»

غروب شد، ولیعهد از بالا آمد پایین که برود اندرون با همه وداع کند. شاهزاده‌ها تا پشت پرده قرمز در اندرونی با ولیعهد رفتند و با او وداع کردند. یک آجودان هم آنجا بود.

ولیعهد به او گفت:

«تا اندرون هم می‌خواهید بیایید؟»

گفت:

«خیر، ولی عجله کنید.»

رفت و برگشت. در این گیرودارها ولیعهد پیغام داده بود که من پول ندارم، به چه وسیله بروم؟ از دولت طلب دارم، خوب است از بابت طلبم پولی به من بدهند تا حرکت کنم. گفتند که با تلفن کسب تکلیف می‌کنیم و بالأخره پنج هزار تومان پول حاضر کردند و به ولیعهد دادند و گفتند که پنج هزار تومان را سردار سپه رضاخان، به محمدحسن میرزا انعام مرحمت فرموده‌اند!

سرتیپ مرتضی‌خان روی پله ایستاده بود و سیگار می‌کشید، گفت: «اشخاصی که با محمدحسن میرزا نمی‌روند، بروند به خانه‌هایشان و اینجا نمانند، بروید! بروید!»

> *مثل روز روشن بود که انگلیسی‌ها می‌خوان رضاخان رو به تخت بنشونن! اون ادا و اطوار رضاخان هم یه بازی بیشتر نبود، اصلاً این آدم ذره‌ای دین و ایمون نداره! میرزا حسین - پدر ریحانه - دنباله حرف آقا یوسف را گرفت و گفت: «این انگلیسی‌ها همین جوری‌ان، همیشه دس می‌ذارن رو عقیده مردم، تا وقتی هم مذهب واسشون خطری نداشته باشه خوب ازش استفاده می‌کنن. واسه همینم رضاخان رو آوردن.»

و شاهزاده‌ها گریه کنان رفتند.

ساعت ۹ شب، در حالی که همه جیب‌های ولیعهد را گشتند، او را سوار اتومبیل کردند و با دکتر صحت، دکتر جلیل‌خان و ابوالفتح میرزای پیشخدمت، همراه با مستحفظ مسلح، روانه مرز کردند.

و به این ترتیب آخرین وارث خاندان قاجار از کشور بیرون رفت...

توطئه

خشونت و سختی سمج به زندگی‌ها چسبیده و مثل نفس کشیدن عادتی شده بود برای زنده‌ها!

نزدیک غروب بود که صدای کلون در می‌گفت مردی پشت در خانه است. در که باز شد، صدای کربلایی محمد زودتر از خودش آمد تا وسط حیاط، آقا عبدالصمد بفرمایی گفت و جلدی خودش را رساند زیر سقف اتاق، کربلایی که آمد مردها گرم حرف زدن بودند، تشخیص صدای هر کدام برای کربلایی دشوار نبود.

- مثل روز روشن بود که انگلیسی‌ها می‌خوان رضاخان رو به تخت بنشونن! اون ادا و اطوار رضاخان هم یه بازی بیشتر نبود، اصلاً این آدم ذره‌ای دین و ایمون نداره!

میرزا حسین - پدر ریحانه - دنباله حرف آقا یوسف را گرفت و گفت:

«این انگلیسی‌ها همین جوری‌ان، همیشه دس می‌ذارن رو عقیده مردم، تا وقتی هم مذهب واسشون خطری نداشته باشه خوب ازش استفاده می‌کنن. واسه همینم رضاخان رو آوردن.»

داماد آقایوسف نیم خورده چایش را توی نعلبکی گذاشت و گفت:

«حتم دارم ترور مدرس هم کار خود رضاخانه، مدرس هم بلای جون انگلیس و هم بلای جون رضاخانه، انگلیس خوب می‌دونه که این روحانی با بقیه فرق داره، زیر حرف زور نمی‌ره...»

میرزا حسین حرفش را برید و با ناراحتی گفت:

«کاش می‌دونستیم چی شده؟»

- آقا شوخی نیس، ده، دوازده تیر به طرفشون شلیک کردن!

آقا عبدالصمد در سکوتی که افتاد، خطاب به کربلایی که حالا رسیده بود به زیرطاقی گفت:

«چه خبر کربلایی؟»

کربلایی با خوشحالی دست‌هایش را به هم کوبید و گفت:

«آقا مدرس! آقا مدرس زنده‌اس!»

میرزا حسین با ناباوری پرسید:

«چطور؟ مگه ممکنه؟»

- بعد از اینکه ایشون رو، روبروی مدرسه سپهسالار می‌بندن به گلوله، می‌برنشون بیمارستان، چند تا گلوله بهشون خورده بود که از قرار معلوم چهار تاش کاری بوده اما خدا خواست که زنده بمونن!

- چه حالی شده رضاخان!

کربلایی با ژست مخصوصی گفت:

«می‌گن مدرس درباره اینکه کی ممکنه قصد کشتنش رو کرده باشه، حرفی نزده اما در جواب تلگراف رضاشاه که از ایشون احوالپرسی کرده، بعد از تشکر گفته: «به کوری چشم دشمنان مدرس هنوز نمرده...».»

میرزاحسین با صدایی آرام و نگران جواب داد:

«ولی این دشمنا حالا حالاها دس بردار نیستن.»

و آقا میرزا راست می‌گفت. سال‌ها و حوادث بدی در انتظار مردم بود.

* * *

سایه ترس

زمستان گذشت، کند و آرام! و زمستانی دیگر، زمستانی پشت زمستان، انگار بهار راهش را گم کرده بود.

- آقا! توی این مملکت انگار قحطی خوشبختی اومده!

- گلین خانوم! فقر که بیاد شادی هم می‌ره، ظلم بیداد می‌کنه، سرما، گرسنگی، ناامنی! مملکت رو دارن غارت می‌کنن!

آقا عبدالصمد راست می‌گفت. ظلم همانند یک بیماری آمده بود، مسری و کشنده، از شهری به شهر دیگر، از تهران تا قزوین، از اصفهان تا فارس، از خوزستان تا سیستان، امنیت از شهرها می‌گریخت و به جایش باد تخم ترس می‌کاشت توی دل آدم‌ها و خاک!

از تاجگذاری رضاخان ۸ سال می‌گذشت. ۸ سال برای مردم و ۷ سال برای بیگانه‌ها، برای انگلیسی‌ها. ایران سفره‌ای شده بود پر برای خارجی‌ها که چیزهای زیادی را می‌شد به دندان گرفت و سفره‌ای خالی برای مردم که از آن جز گرسنگی چیزی برنمی‌آمد و آقا عبدالصمد این را خوب حس کرده بود و همین حس بود که وادارش کرده بود، ببخشد بی‌منت و بی‌بهانه.

شبهه‌افکنی مطبوعات زنجیره‌ای

برخی مطبوعات با ایجاد شبهه در این سخنان سعی در مخدوش کردن چنین مرزبندی کردند.

روزنامه عصر آزادگان در مطالبی از عبدالکریم سروش منشأ چنین مرزبندی را دارای ریشه در جاهلیت دانسته و عنوان داشت: «مرزبندی خودی و غیرخودی، نشأت گرفته از جاهلیت است».[۱۳۷]

روزنامه نشاط در مطلبی دیگر از سروش یک هفته پس از بیانات مقام معظّم رهبری این نوع مرزبندی را مغایر با جامعه مدنی دانست: «تصور میان خودی و غیرخودی غلط است و با روح جامعه مدنی منافات دارد».[۱۳۸]

روزنامه خرداد نیز در مقابل این مرزبندی چنین موضع گرفت: «خداوند خودی و غیرخودی نمی‌شناسد. نعمتهایش را به همه داده است. چرا ما کاسه داغ‌تر از آش هستیم».[۱۳۹]

روزنامه مشارکتی صبح امروز به قلم بهاءالدین خرمشاهی در یک تحلیل غیراصولی نوشت: «کافر بی‌دین هم خودی است، قرآن فرمود: «لکم دینکم وَلِیَ دین، بنی‌آدم اعضای یکدیگرند».[۱۴۰]

یکی دیگر از موضوعاتی که مطبوعات دوم خردادی نظرات مقام معظّم رهبری را مورد تعرض قرار دادند، موضوع تهاجم فرهنگی بود. در حالی که رهبر انقلاب تهاجم فرهنگی دشمن را به شبیخون و قتل عام فرهنگی تشبیه کرده بودند، روزنامه عصر آزادگان این‌گونه نسبت به نظریه تهاجم فرهنگی هجوم آورد: «نظریه تهاجم فرهنگی، چه‌ها که بر سر فرهنگ و هنر و روشنفکران نیاورد».[۱۴۱]

آنان با کمال بی‌شرمی و وقاحت، وقوع قتلهای زنجیره‌ای و فتنه کوی دانشگاه و ترور سعید حجاریان که توسط برخی جریانهای سیاسی موسوم به اصلاح‌طلبان به منظور متهم کردن نظام و تضعیف برخی ارکان انقلابی و نظامی و اطلاعاتی صورت گرفت را محملی برای تضعیف رهبری معظّم انقلاب قرار دادند.

روزنامه خرداد در متهم کردن رهبری نظام در قتلهای زنجیره‌ای و جهت‌دهی اذهان به ایشان، با جعل و انتشار دستنوشته‌ای منتسب به ایشان - که به صورت شبانه پخش شده بود - این‌گونه اتهام را متوجه رهبری کردند: «سردار رحیم صفوی، فرمانده محترم کل سپاه، این دگراندیشان و نویسندگان روشنفکر، معاند و مرتد هستند، شما اینها را از بین ببرید ...».[۱۴۲]

روزنامه صبح امروز متعلق به سعید حجاریان عضو مرکزی حزب مشارکت به نقل از محسن کدیور، رهبری نظام را این‌گونه متهم به دست داشتن در قتلهای زنجیره‌ای می‌کند: «اگر والی در حفظ جان مردم کوتاهی کند و عمالش بدون اطلاع یا با همدستی او، دست به کشتن مخالفان بزنند، چنین والی‌یی از دیدگاه امام صادق (ع) نامشروع است».[۱۴۳] همین روزنامه با مدیریت مشارکتی‌ها در متن وقیحانه حمله به کوی دانشگاه را به رهبری منتسب کرده و ایشان را به عذرخواهی دعوت کرد: «حمله به کوی دانشگاه با دستور رهبری صورت گرفته است، باید فضا روی او به گونه‌ای سنگین شود تا ایشان وادار به عذرخواهی گردد»![۱۴۴]

تشکلهای همسو با حزب مشارکت

بنیانگذاران حزب مشارکت از اعضای فعال ستاد انتخاباتی سیدمحمد خاتمی در رقابتهای هفتمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری بودند که پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ به همراه ۱۷ تشکل دیگر جبهه دوم خرداد را ساماندهی کردند.

دفتر تحکیم وحدت، حزب کارگزاران سازندگی، مجمع روحانیون مبارز، مجمع مدرّسین و محقّقین حوزه علمیه قم، مجمع نمایندگان ادوار مجلس، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، خانه کارگر و... از جمله این تشکلها بودند. در میان این تشکلهای اصلاح‌طلب به لحاظ ارتباط سازمانی، هم‌اندیشی و فکری، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نزدیک ترین تشکل به حزب مشارکت به حساب می‌آید. سعید حجاریان، مصطفی تاجزاده و محسن میردامادی از اعضای اصلی و مؤثر سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بودند که به طور همزمان در شورای مرکزی حزب مشارکت نیز عضو بودند، از این‌رو ارتباط تنگاتنگی بین مشارکت و مجاهدین برقرار بود و این افراد به مثابه پل ارتباطی این دو تشکل سیاسی محسوب می‌شدند.

در کنار سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به عنوان یک تشکل سیاسی درون حاکمیت، نهضت آزادی نیز به همراه نیروهای ملی ـ مذهبی از حزب مشارکت حمایت می‌کردند. به عنوان نمونه نهضت آزادی در پیامی به کنگره سوم جبهه مشارکت با تأکید بر رسالت روشنفکران و پیشگامان جامعه در تشکیل احزاب اعلام کرد: «در شرایط کنونی که جنبش اصلاح‌طلبی در آستانه یک چرخش سرنوشت‌ساز تاریخی قرار دارد، برگزاری سومین کنگره جبهه مشارکت ایران اسلامی گامی مثبت در راستای تحقق پیش‌نیازهای توسعه سیاسی محسوب می‌شود».[۱۴۵]

حزب
مشارکت ایران اسلامی
حزب دولت ساخته
۳
۹

این ارتباط یک‌طرفه نبود و اعضای حزب مشارکت نیز در بسیاری از مواقع علی‌رغم ادعای تبعیت از امام خمینی(ره) بدون توجه به بیانات و دیدگاههای ایشان در باره با نهضت آزادی که در نامه‌ای در تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۶۶ خطاب به علی‌اکبر محتشمی‌پور وزیر وقت کشور اعلام شده بود[۱۴۶]، به تطهیر نهضت آزادی پرداخته و از آنان دفاع نمودند.

۱۳۷- روزنامه عصر آزادگان، به تاریخ ۱۳۷۹/۱/۲۳.

۱۳۸- روزنامه نشاط، به تاریخ ۱۳۷۸/۵/۱۷.

۱۳۹- روزنامه خرداد، به تاریخ ۱۳۷۸/۷/۱۲.

۱۴۰- روزنامه صبح امروز، به تاریخ ۱۳۷۸/۶/۲۵.

۱۴۱- روزنامه عصر آزادگان، به تاریخ ۱۳۷۸/۸/۱۶.

۱۴۲- روزنامه خرداد، ۱۳۷۷/۱۰/۱۴.

۱۴۳- روزنامه صبح امروز، به تاریخ ۱۳۷۸/۱۱/۱۱.

۱۴۴- روزنامه صبح امروز، به تاریخ ۱۳۷۸/۴/۲۰.

۱۴۵- هفته‌نامه صبح صادق، احزاب سیاسی ایران، قسمت ۷۷.

۱۴۶- نامه علی‌اکبر محتشمی‌پور به حضرت امام (ره): بسمه تعالی‌محضر مقدّس رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی آیت‌الله العظمی‌امام خمینی(دام‌ظله‌العالی) با عرض سلام و تحیات.نهضت آزادی پس از استعفا و برکناری دولت موقت پیوسته در جهت اعلام مخالفت بادولت جمهوری اسلامی، مجلس شورای اسلامی، و حتی قوّه قضائیه و مغشوش کردن اذهان بوده است. مسئولین نهضت با سمپاشی های خود نسبت به سیاست های دولت،دفاع مقدس و جنگ، مسئله برائت از مشرکین و فاجعه خونین مکه مکرمه، جهاد مالی‌و تصمیمات شورای عالی جنگ و بالاخره فرمایشات اخیر حضرت امام ـ روحی‌فداه ـ راجع به حکومت و ولایت مطلقه، در جهت مبارزه و تضعیف نظام جمهوری اسلامی‌گام برداشته‌اند. با توجه به اهمیت و نقش سرنوشت‌ساز مجلس شورای اسلامی نهضت آزادی در ماههای اخیر فعالیت گسترده‌ای را جهت به اجرا درآمدن قانون احزاب وآزادی فعالیت سیاسی آنان و نیز حرکت تبلیغاتی گسترده‌ای راجع به انتخابات و راه یافتن به مجلس را آغاز کرده است.آقای دکتر یزدی در جلسه مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۵ نهضت آزادی، راجع به شرکت درانتخابات و نقش نهضت آزادی چنین می‌گوید: «... برگزاری انتخابات مستلزم وجودجامعه باز است. اگر رفتیم واقعا مفید خواهیم بود و نخواهیم گذاشت این فناوری را به زور بر مردم تحمیل کنند. شخصی که از طرف نهضت به مجلس برود مسلما از این توپ و تشرها جا نخواهد زد، اگر قرار باشد مملکت را با فتوا اداره کنند، بنده پیشنهادمی‌کنم که مجلس را ببندند و خوابگاه دانشجویان کنند». دیدگاه نهضت آزادی راجع به جنگ و دفاع مقدّس در بیانیه‌ای تحت عنوان جنگ بی‌پایان چنین است: «... آنچه فعلا دیده می‌شود جنگی است بی‌پایان که می‌تواند پایان دنیا باشد، پایان ایران و مردم ایران باشد . . . ، گفته‌اند حتی اگر یک خانه هم در ایران سر پا بماند، باز به جنگ ادامه خواهیم داد و اگر یک نفر باقی بماند، آن یک نفر هم جنگ خواهد کرد. آیااین مترادف با چیزی جز «جنگ جنگ تا نابودی» هست؟»نهضت آزادی راجع به «حکومت و ولایت مطلقه» اطلاعیه‌ای منتشر کرده که در آن آمده است: «این چه فرمانی است و چه انقلابی در ایران و اسلام که حکومت را در موضع بالاتر ازفرستاده خدا قرار داده به او اختیار می‌دهد برخلاف نصّ صریح «و شاورهم فی‌الامر» وبدون مشورت با امت تصمیم‌گیری در مصالح دولت و امور ملت نماید ...».با عنایت به مراتب فوق خواهشمند است، ارشاد فرمایید که :۱ـ آیا نهضت آزادی با چنین عقاید و تفکراتی می‌تواند به عنوان یک سازمان، حزب وتشکیلات سیاسی در جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته شود؟۲ـ در حالی که ماده سی، قانون انتخابات از جمله شرایط تأیید صلاحیت و داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی را با الف - اعتقاد و التزام عملی به اسلام. ب -اعتقاد و التزام عملی به نظام جمهوری اسلامی ایران می‌داند؛ آیا نهضت آزادی‌صلاحیت دارد که در انتخابات مجلس شورای اسلامی شرکت نموده و نماینده‌ای درمجلس داشته باشد؟در پایان از درگاه خداوند متعال طول عمر آن وجود شریف و مقدّس و پیروزی عاجل رزمندگان اسلام را مسألت دارم...

آگهی فراخوان عمومی

مجتمع فولاد مبارکه

شماره درخواست فراخوان: ۴۸۳۰۱۳۳۱

موضوع فراخوان: بهینه‌سازی سیستم کنترل قدرت و هیدرولیک ۴ عدد لکوموتیو ME۱۰ شرکت فولاد مبارکه به صورت دومرحله‌ای

مبلغ برآورد اولیه: ۲۸،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (بیست و هشت میلیارد) ریال

مدارک لازم: تکمیل و ارائه فرم‌های ارزیابی کیفی به همراه مستندات و سوابق شرکت در زمینه موضوع فراخوان

نحوه دریافت فرم‌های ارزیابی کیفی: سایت شرکت فولاد مبارکه (**www.mobarakeh-steel.ir**) ← خرید و تامین‌کنندگان ← خرید ← مدیریت قراردادهای خرید ← پرسش‌نامه‌های ارزیابی کیفی پیمانکاران ← پیمانکاران عمومی حقوقی

نحوه ارسال مدارک توسط متقاضیان شرکت در مناقصه:

۱- ارسال از طریق آدرس: اصفهان ۷۵ کیلومتری جنوب غربی اصفهان- کدپستی ۱۱۱۳۱-۸۴۸۸۱ شرکت فولاد مبارکه- واحد قراردادهای خرید

۲- ارسال از طریق آدرس الکترونیکی **M.Hasanvand@msc.ir**

مهلت ارسال مدارک: ۱۳۹۲/۴/۸

توضیح: اسناد مناقصه پس از انجام ارزیابی کیفی، برای شرکت‌های تأیید شده ارسال خواهد شد.

هزینه درج آگهی برعهده برنده مناقصه می‌باشد.

ارایه مدارک و سوابق هیچ‌گونه حقی را برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد.

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر با شماره تلفن **۰۳۳۵۵۴۳-۳۶۲۵** تماس حاصل فرمایید.

روابط عمومی شرکت فولاد مبارکه اصفهان
(کد آگهی: ر-۹۲۰۵۱)

شماره: ۹۲/۱۶۶۸/۱۴۰/ و- ۱۳۹۲/۳/۲۲

آگهی انحلال شرکت راه و ساختمان شکاف با مسئولیت محدود، ثبت شده به شماره ۲۰۱۳ و شناسه ملی ۱۰۲۶۰۲۰۷۷۸۷

برابر صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۹۱/۱۲/۱۶ شرکت فوق منحل اعلام گردید و یداله برندگی به کد ملی ۱۲۸۹۹۳۳۷۴۱ و کد پستی ۸۱۳۹۷۴۵۷۸۱ بسمت مدیر تصفیه برای مدت یک سال انتخاب گردید و نشانی محل تصفیه در اصفهان پل رباط خیابان شهید شیرانی روبروی صنایع فلزی فشارکی جنب نانوایی-کدپستی ۸۱۳۹۸۱۳۵۸۶ تعیین گردید؛ امضای ذیل ثبت در تاریخ ۹۲/۳/۲۲ تکمیل گردید.

منصور آذری
رئیس اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری اصفهان

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مرکزی

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای سید کمال واحدی و حیدر کرمی با ارائه یک برگ فرم استشهادیه محلی که امضاء شهود را دفترخانه اسناد رسمی گواهی نموده‌اند مدعی می‌باشند که سند مالکیت یک دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ۱۳۹۳ اصلی واقع در بخش یک اراک که در صفحه ۵۰۳ دفتر۳ املاک به شماره ثبت ۳۹۰ بنام حاج علی علیخانی ثبت و صادر گردیده سپس طبق سند قطعی شماره ۱۵۲۷۹-۹۱/۱۲/۲۸ دفترخانه ۳۰- اراک به سید کمال واحدی و حیدر کرمی انتقال گردیده که بعلت سهل‌انگاری مفقود گردیده و با جستجوی کامل پیدا نشده است، لذا به استناد تبصره یک اصلاحی به ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت و بخشنامه‌های صادره، بدینوسیله مراتب آگهی می‌گردد که هرکسی مدعی انجام معامله‌ای نسبت به ملک مزبور با وجود سند مالکیت آن نزد خود می‌باشد از تاریخ انتشار این آگهی تا ۱۰ روز به این اداره مراجعه و اعتراض خود را با مدارک صحیح تسلیم نماید در صورت انقضاء مدت مزبور و عدم وصول واخواهی یا وصول واخواهی بدون ارائه سند مالکیت با سند معامله در صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.

رئیس ثبت اراک- اسماعیلی

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای بهروز یوسفی فرزند قربانعلی به شرح دادخواست به کلاسه ۹۲۰۹۹۸۲۸۵۶۱۰۰۰۹۹ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان قربانعلی یوسفی در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱- هاجر موسی لو احمدی ش ش ۱۹ تاریخ تولد ۱۳۲۱ همسر متوفی

۲- حسین یوسفی ش ش ۱۷۵ ت ت ۱۳۵۴ پسر متوفی

۳- بهروز یوسفی ش ش ۵۳۸ ت ت ۱۳۴۶ پسر متوفی

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

متصدی امور دفتری شورای حل اختلاف
بخش بشاریات استان قزوین- رویا سعیدی
استان قزوین- شهرستان قزوین- بخش بشاریات

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای حسین رضاپور مسگرا دارای شناسنامه شماره ۷۱۰۵۵ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۲۰۱۱۹ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان محمدرضا پورمسگرا به شناسنامه ۱۰۲۶ در تاریخ ۹۲/۲/۲۶ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به

۱- حسین رضاپور مسگرا ش.ش۷۱۰۵۵ (پسر)

۲- محسن رضاپور مسگرا ش.ش۳۳۷۷ (پسر)

۳- فاطمه رضاپور مسگرا ش.ش ۶۴۷۶۱ (دختر)

۴- سکینه رضاپور مسگرا ش.ش ۶۶۵ (دختر)

۵- نسرین رضاپور مسگرا ش.ش ۷۳۹۴۹ (دختر)

۶- نسترن رضاپور مسگرا ش.ش ۷۸۱۴۳ (دختر)

۷- آسیه رضاپور مسگرا ش.ش ۱۱۷۷ (دختر)

۸- زینب کربلائی شیری فردی ش.ش ۲۵۰ (همسر)

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

رئیس شعبه ۲۳ شورای حل اختلاف شهر قزوین

مجله کیهان بچه‌ها
حاوی مطالب علمی- ورزشی- داستانی
مخصوص نوجوانان
سه‌شنبه‌ها بصورت سراسری
منتشر می‌شود

آگهی ابلاغ

جناب آقای پویا باغبانی فرزند خسرو آموزگار آموزش و پرورش ناحیه یک قزوین

پرونده شما به اتهام غیبت غیرموجه از تاریخ ۹۱/۱۱/۱۸ تاکنون (تاریخ نشر آگهی) و نیز بند ۱ و ۲۲ ماده ۸ قانون مربوط در هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان آموزش و پرورش استان قزوین مطرح رسیدگی است مقتضی است ظرف یک ماه از تاریخ نشر این آگهی دفاعیه کتبی خود را به آدرس اداره‌کل مزبور (هیات بدوی) ارسال فرمایید، در غیر این صورت پس از پایان ظرف زمانی تعیین شده طبق مقررات نسبت به صدور رای مقتضی اقدام خواهد شد.

هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری
کارمندان آموزش و پرورش استان قزوین

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای عباس حسن‌پور دارای شناسنامه شماره ۵۶۸ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۲۰۱۱۴ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان حاجی‌محمد حسن‌پور حسین‌آبادی به شناسنامه ۲۹۳ در تاریخ ۹۲/۲/۲۱ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱- عباس حسن‌پور شش ۵۶۸ پسر ۲- محمدحسن حسن‌پور شش ۱۰۷۸ پسر ۳- لیلا حسن‌پور حسین‌آبادی شش ۵۱۹ دختر ۴- رباب حسن‌پور حسین‌آبادی شش ۵۷۵ دختر ۵- ملوک حسن‌پور حسین‌آبادی شش۶۸۳۲۱ دختر ۶- فاطمه حسن‌پور حسین‌آبادی شش۲۷۰ دختر ۷- عذرا حسن‌پور حسین‌آبادی شش۸۶۱ دختر ۸- معصومه حسن‌پور حسین‌آبادی شش۱۶۰ دختر.

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.

رئیس شعبه ۲۱ شورای حل اختلاف شهر قزوین

آگهی ابلاغ اجرائیه

محکوم له: شرکت شهرک‌های صنعتی استان قزوین نشانی قزوین بلوار شهید بهشتی- روبروی پارک دهخدا- پلاک ۱۶۶- کد پستی ۳۴۱۵۶-۷۹۴۳۹

محکوم علیه: شرکت صنایع شید چوب ایرانیان نشانی قزوین- سه راه خیام- بن‌بست کلیسا- پلاک ۳۴- طبقه همکف (مجهول‌المکان) به موجب درخواست اجرای حکم مربوطه به شماره ۹۲۱۰۰۹۲۸۴۷۱۰۰۱۸۷ و شماره دادنامه مربوطه ۹۱۰۹۹۷۲۸۴۷۱۰۰۷۲۷ ضمن حکم بر تایید و تنفیذ فسخ قرارداد حق انتفاع و بهره‌برداری شماره ۸۸۴۱ مورخه ۸۶/۶/۲۹ حکم بر خلع ید محکوم علیه از قطعه زمینی تخصیصی از اراضی شهرک صنعتی حیدریه تحت پلاک ثبتی ۴۳۷ فرعی از دو اصلی و قلع و قمع آن و محکومیت محکوم علیه به پرداخت دو میلیون و سیصد و شصت و هشت هزار ریال بابت هزینه دادرسی و حق‌الوکاله نمایندگان حقوقی مطابق قانون که توسط اجرای احکام محاسبه خواهد شد در حق محکوم له و پرداخت نیم عشر دولتی در حق صندوق دولت لذا مقرر است محکوم علیه ظرف مدت ده روز ازتاریخ انتشار آگهی مفاد آن را به موقع اجرا بگذارد.

دادگاه عمومی بخش ضیاءآباد

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی (نوبت اول)

شرکت تعاونی مصرف کارگران مؤسسه کیهان

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی (نوبت اول) که رأس ساعت۹ صبح روز یک‌شنبه ۹۲/۴/۲۳ در تالار شهیدمطهری مؤسسه کیهان تشکیل می‌گردد حضور بهم رسانند. درصورتی که حضور عضوی در مجمع عمومی میسر نباشد می‌تواند حق حضور و اعمال رأی از سوی خود را به نماینده تام‌الاختیار خود واگذار نماید. ضمناً هیچ کس نمی‌تواند نمایندگی بیش از ۲عضو را بپذیرد.

دستور جلسه:

۱- استماع گزارش هیئت‌مدیره و بازرس

۲- رسیدگی و تصویب صورتهای مالی سال۱۳۹۱

۳- انتخاب اعضاء اصلی و علی‌البدل هیئت‌مدیره و بازرس

۴- طرح تصویب آئین‌نامه حقوق و اختیارات مدیرعامل

۵- نحوه تقسیم سود سال۱۳۹۱

۶- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی باشد.

رئیس هیئت‌مدیره

آگهی تغییرات شرکت کارگردان در حال تصفیه سهامی خاص به شماره ثبت ۱۲۰۶۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۷۰۳۴۳

باستناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۸/۱۱ فرخ آموزگار به ک م ۰۰۳۶۴۳۵۵۱۱ و علی مجتبی علی ناصری به ک م ۰۰۴۳۴۴۲۸۵۴ برای مدت ۲ سال به سمت مدیران تصفیه تعیین شدند.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

آگهی تصمیمات شرکت استیل‌ریزان سهامی خاص به شماره ثبت ۵۸۰۶۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۰۳۱۲۸۷

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ۹۱/۵/۱۶ شرکت مزبور که درتاریخ ۹۱/۵/۲۴ واصل گردید ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۰ به تصویب رسید. موسسه آبان ارقام پارس به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۱۳۵۰ به سمت بازرس اصلی و محمود میوند به کد ملی ۳۹۷۸۵۴۸۰۵۴ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار کیهان جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت مدیره به مدت دو سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند. حسن زاهدی مطلق به کد ملی ۰۰۴۲۴۸۶۸۲۳به سمت رئیس هیئت مدیره و زینت‌السادات فاطمی پناه هراتی به کد ملی ۶۶۴۹۴۴۲۹۳۳ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و عبدالرضا فهیمی به کد ملی ۰۴۹۰۵۷۱۸۰۸ به سمت مدیرعامل تعیین گردیدند و امضاءکلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک و سفته و برات با امضاء مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر است.

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده (نوبت سوم)

شرکت تعاونی مسکن شماره ۳ کارکنان دانشگاه تهران

بدین وسیله به اطلاع کلیه اعضاء محترم شرکت تعاونی مذکور می‌رساند با توجه به انجام اصلاحات به عمل آمده در قانون بخش تعاون جمهوری اسلامی ایران مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت سوم این شرکت راس ساعت ۱۵/۳۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۲/۴/۱۱ در نشانی: تهران، بلوار کشاورز، خیابان وصال شیرازی، کوچه شاهد، پلاک ۸، واحد ۳، دفتر تعاونی مسکن شماره ۳ کارکنان دانشگاه تهران برگزار می‌گردد.

از کلیه اعضاء محترم دعوت می‌گردد تا در جلسه مذکور حضور به هم رسانیده و یا نمایندگان تام‌الاختیار خود را به صورت مکتوب معرفی نمایند. ضمنا یادآوری می‌شود این مجمع با حضور هر تعداد اعضاء شرکت تعاونی رسمیت می‌یابد و تصمیماتی که در این مجمع اتخاذ می‌شود برای کلیه اعضاء (اعم از غائب و مخالف) نافذ و معتبر خواهد بود.

دستور جلسه:

۱- طرح و تصویب اساسنامه جدید

۲- تصویب آیین‌نامه نحوه برگزاری مجامع عمومی

رئیس هیئت مدیره
شرکت تعاونی

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای محسن محمدی دارای شناسنامه شماره ۳۱۳۰ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۲۰۱۳۷ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان محمد محمدی به شناسنامه۴ در تاریخ ۹۲/۲/۱۴ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱-محسن محمدی شش ۳۱۳۰ پسر ۲-شهناز محمدی شش ۴۷۱ دختر ۳-مهناز محمدی شش ۷۴۴ دختر ۴-فرحناز محمدی شش ۸۸۵ دختر ۵-فاطمه محمدی شش ۳۰۱ دختر ۶- حمیده محمدی شش ۱۳۱۸ دختر ۷-اکرم محمدی شش ۶۳۰ دختر ۸-منور اصغری لیائی شش۳۲۶ همسر

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.

رئیس شعبه ۲۵ شورای حل اختلاف شهر قزوین

آگهی افزایش سرمایه شرکت کاهنربا سهامی خاص به شماره ثبت ۷۸۳۴۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۳۲۰۱۴

به موجب صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۹۱/۱۱/۲۶ و هیئت مدیره مورخ ۹۱/۱۱/۲۶ سرمایه شرکت از مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ریال به مبلغ ۲۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۱/۲۵۰/۰۰۰ سهم ۲۰/۰۰۰ ریالی با نام که تماما پرداخت شده از طریق نقدی تامین گردیده افزایش یافته و مبلغ افزوده ریال به موجب گواهی شماره ۳۶/۲۶۲/۱۳۴۵ مورخ ۹۱/۱۱/۱۵ بانک تجارت شعبه سعدی جنوبی پرداخت گردیده است. ماده مربوطه اساسنامه به شرح فوق اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ ۹۱/۱۲/۸ تکمیل امضاء گردیده است.

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور